

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۲/۳  
بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۹-۱۱۱

## \*امامت در صحیفه سجادیه\*

محمد محمودپور

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: mahmoodpoor@um.ac.ir

صاحب‌اللئی اکبری

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: akbari@um.ac.ir

### چکیده

از جمله منابع مورد استفاده در بررسی تاریخ اندیشه اسلامی، سیره معصومین(ع) به ویژه روایات مستند از ایشان است. حساس ترین دوره تاریخ در سیر تحول اندیشه سیاسی اسلام آغاز خلافت بنی امية و تبدیل خلافت به سلطنت است. در این میان امامان شیعی(ع) بنا بر وظیفه الهی در جهت حفظ و احیای اندیشه اسلامی اقدامات خاصی انجام دادند. در این نوشتار برآئیم جهت گیری امام سجاد(ع) در حساس ترین دوره تاریخ اسلام را بر اساس "صحیفه سجادیه" مورد بررسی قرار داده، تا راهبرد ایشان در جهت حفظ خط امامت شیعی را آشکار سازیم.

**کلید واژه‌ها:** امام سجاد(ع)، امامت، بنی امية، صحیفه سجادیه.

## درآمد

صحیفه کامله سجادیه شامل ۵۴ دعا، از جمله آثار باقی مانده از قرن اول هجری، و به عقیده شیعیان، اولین مکتوب حدیث شیعه است. این کتاب از اواسط قرن ششم هجری به صورت فعلی تدوین شد (مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه، ص ۶۰) و نسخه های فراوانی از آن در دست است. بدون شک صحیفه سجادیه شهرت و رواج کنونی خود را مدبیون مجلسی اول (ف ۱۰۷۰) است (مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه، ص ۵۹ معارف، ص ۲۲۲) به طوری که پس از آن مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته، بارها شرح و تفسیر و ترجمه شد.<sup>۱</sup>

افزون بر صحیفه کامله سجادیه، کوششهای فراوانی برای گردآوری تسامی دعاهای منسوب به امام سجاد(ع) صورت گرفته است. برخی از آنها چون "ادعیه الامام زین العابدین" و "الصحیفه السجادیه الجامعه" به ترتیب شامل ۲۶۷ و ۲۷۰ دعا است (آقابزرگ تهرانی، ج ۱۵/۲۱-۲۱؛ مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه، ص ۶۰-۵۹) اما از آنجا که هیچ کدام از این آثار به شهرت و مقبولیت صحیفه کامله سجادیه نرسیده، از این رو در این تحقیق، صحیفه کامله سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است.

## پیشینه تحقیق

مهمنترین علت توجه علمای شیعه در سالهای اخیر به این کتاب، عبارات و مضامین بلند اخلاقی، عرفانی و تربیتی آن بوده است و در این میان ابعاد سیاسی و اجتماعی آن کمتر مورد توجه واقع شده است. به نظر می رسد این نگاه به واسطه مضامین بلند عرفانی و اخلاقی آن یا به واسطه شک و تردید های روایی در سند آن بود

<sup>۱</sup> - ر.ک: حکیم، سید محمد حسین؛ نسخه های خطی، شروع و ترجمه های صحیفه سجادیه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۳۸۲؛ مدیر شانه جی، کاظم؛ "دعا و نیایش"؛ نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره سی، مشهد: ۱۳۷۴، ص ۳۹-۱۰.

و از این رو اکثر تأثیراتی که تا کنون درباره صحیفه نوشته شده، در مورد مباحث اخلاقی و عرفانی آن بوده است.<sup>۱</sup>

تنها اثری که می‌توان از آن به عنوان سابقه نظری طرح یاد کرد، کتاب "سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه"<sup>۲</sup> است، مؤلف بدون در نظر گرفتن فضای سیاسی و اجتماعی عصر امام سجاد(ع) و صرفاً با هدف نشان دادن ارتباط عرفان و سیاست، به گزینش پاره‌ای مطالب مفید اما پراکنده و آشکه بسته کرده، و با تکیه به دریافتهای شخصی و برخی استنادات قرآنی، در صدد تحلیل آنها برآمده است.

### روش تحقیق

در این نوشتار با استفاده از تحلیل محتوایی صحیفه سجادیه، مسأله امامت به عنوان یکی از ابعاد سیاسی - اعتقادی صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیوه ما در این تحقیق، بررسی مقدار تأثیرگذاری اندیشه امام سجاد(ع) بر جامعه اسلامی عصر اموی است. چنین بررسیهایی از لحاظ روش شناختی مربوط به جامعه شناسی معرفت است که در آن نسبت میان فکر و ساختار جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود آن تفکر تا چه حد برگرفته یا برآمده و متناسب با فضای موجود بوده و با چه اهداف و انگیزه‌های گفته شده است و در نهایت تا چه حد توانسته به اهداف خود جامعه عمل بپوشاند.

در این بررسی از فن تحلیل محتوا استفاده خواهد شد که مهمترین و قدیمیترین کاربرد آن در متون دینی است (ساروخانی، ج ۲۹۳/۲). با استفاده از این روش می‌توان خصوصیات و ویژگیهای اجتماعی دوره ای را تبیین کرد. به عبارت دیگر، با استفاده از این روش می‌توان ویژگیهای نویسنده و ویژگیهای دوره‌ی وی را شناسایی و بررسی

۱ - ر.ک: درگاهی، حسین؛ کتابنامه صحیفه سجادیه؛ نشر رایزن، تهران، ۱۳۷۸: ۱.

۲ - ر.ک: رهبر، محمد تقی؛ سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه؛ معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.

کرد و به تبع آن می‌توان، شرایط کلی فرهنگ آن دوره و عقاید ویژه آن جامعه را مورد بررسی قرار داد (همان، صص ۲۸۸-۲۹۱).

پیش از تحلیل محتوای صحیفه سجادیه و بررسی مسأله امامت در آن، ابتدا وضع سیاسی و اجتماعی آن عصر به تصویر کشیده خواهد شد تا در پرتو آن، مضامین و گفته‌های امام سجاد(ع) مورد مذاقه قرار گیرد.

### اوپرای سیاسی - اعتقادی عصر امام سجاد(ع)

رهبران جوامع اسلامی، با اهداف و انگیزه‌های مشابه از سوی خداوند برگزیده شده‌اند. آنچه شیوه عملکرد آنان را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از یکدیگر متمایز کرده، شرایط و مقتضیات زمانی است. از این رو در تجزیه و تحلیل مواضع سیاسی و اعتقادی امام سجاد(ع)، شناخت شرایط عصر ایشان ضروری است.

هیچ عصری از اعصار اسلامی، مانند عصر امام سجاد(ع) دچار اضطراب سیاسی و اجتماعی نبوده است. این دوره چنان در آشوبها و رویدادهای سهمگین فرو رفته بود که روح آرامش و امنیت از میان رفته و مسلمانان همواره دچار اضطراب و نگرانی بودند و به واقع هرگونه امید به زندگی با عزت از میان رفته بود. دوران سی و چهار ساله امامت ایشان مصادف با خلافت عبدالله بن زبیر در مکه و سلسله امویان در دمشق بود. آن حضرت با خلفای اموی دمشق از جمله یزید بن معاویه (۶۰-۶۴)، معاویه بن یزید (۶۴)، مروان بن حکم (۶۴-۶۵)، عبدالملک بن مروان (۶۵-۶۸)، ولید بن عبدالملک (۶۸-۷۶) هم عصر بود.

آغاز فعالیتهای امام سجاد(ع) مصادف با فجیع شرین واقعه تاریخ اسلام یعنی واقعه عاشورا بود (مسعودی، الثنبیه، ص ۲۶۴). یزید بن معاویه به عنوان شخصیتی ضد دینی، پس از واقعه عاشورا با سرکوبی دیگر مخالفانش جریانی به راه انداشت که از آن میان می‌توان به واقعه حرّه اشاره کرد.

در پی ارتکاب معاصری متعدد از سوی یزید، از جمله قتل امام حسین(ع) (مسعودی، مروج الذهب، ج ۷۸/۳)، مردم مدینه در سال ۶۳ هجری با تدبیر و حیله عبدالله بن زبیر(طبری، تاریخ، ج ۴۷۸/۵) و با راهبری عبدالله بن حنظله، در مدینه شورش کردند و با پیروان کردن حاکم مدینه، یزید را از خلافت عزل و با عبدالله بن زبیر به خلافت پیعت کردند(ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲۱۹/۳). این حرکت مردم مدینه در همان سال به شدت از سوی یزید سرکوب شد و سپاهیان یزید به دستور وی، سه روز چنان شهر پیامبر(ص) را غارت کردند(ر.گ: سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۰۹؛ طبری، تاریخ، ج ۴۸۴/۵؛ سهیلی، ج ۲۵۳-۴۱۶) که از آن به بعد مدینه طیبه را مدینه نته(مستعفن) می خوانند(مسعودی، مروج الذهب، ج ۷۸/۳) و مسعودی(التیبه، ص ۲۶۴) آن را فجیع ترین حادثه پس از شهادت امام حسین(ع) بر شمرده است.

پس از سرکوبی مردم مدینه، سپاه یزید برای سرکوبی شورش عبدالله بن زبیر به سوی مکه هجوم برداشت و در بحبوحه جنگی که منجر به تخریب و آتش گرفتن کعبه نیز شد، با رسیدن خبر مرگ یزید به ناچار سپاه به دمشق برگشت.

در چنین شرایطی کار به آنجا رسید که به تعبیر امام صادق(ع) جز سه نفر مابقی مردم مرتضی شده بودند(کشی، ص ۱۱۳). اگرچه امام سجاد(ع) با درایتی که داشت، وارد دعواهای قدرت نشده بود، با این حال اختلافات زیادی بین شیعیان به وجود آمد تا جاییکه شیعیان شش فرقه شدند(نویختی، ص ۲۸، صص ۵۱-۵۵). از مهمترین این فرقه ها در آن برهه زمانی می توان به کسانیه اشاره کرد. بعد از واقعه عاشورا، مختار به خاطر تقیه امام سجاد(ع)، امامت را از اعقاب پیامبر(ص) از نسل فاطمه(ع) به فرزند دیگر امام علی(ع)، محمد بن حنفیه، منتقل کرد و به این ترتیب اولین انحراف را در مرکزیت تشیع به وجود آورد(جعفری، ص ۲۷۷). این انحراف به حدی جدی بود که اکثر شیعیان به جای امام سجاد(ع) از امامت محمد بن حنفیه پیروی کردند و حتی

مختار توانست بقایای توایین را که امام سجاد(ع) را امام خود معرفی کرده بودند، به سوی محمد بن حنفیه جذب کند(همان، ص ۲۸۰).

پس از مرگ یزید در سال ۶۴ هجری، خلافت در جهان اسلام دو شاخه شد. عبدالله بن زبیر که از چند سال پیش مدعی خلافت شده بود، با استفاده از اختلاف نظری که در دمشق بر سر جانشینی یزید شده بود، کارش بالا گرفت و با سلط بر شهرهای مکه و مدینه در حجاز به خلافت نشست و به رقابت با دمشق پرداخت. عبدالله بن زبیر در سختگیری بر رقبیان و مخالفانش از چیزی فروگذار نبود. او شیعیانی را که از بیعت با او اعتنای کرده بودند در دره ای پر از هیرم جمع و آنها را تهدید به سوزاندن کرد(مسعودی، مروج الذهب، ج ۲/۸۵). وی حتی چهل روز در خطبه هایش سلام و صلوات بر پیامبر(ص) را حذف کرد(همان، ص ۸۸). در چنین فضایی امام(ع) ضمن فتنه خواندن حرکتهای ابن زبیر که به بهانه بیعت انجام می شد، عملأً سکوت اختیار کرده بودند(اربلی، کشف الغمة، ج ۲/۲۵۶).

در بین امویان دمشق، معاویه بن یزید(۶۴ق)، با توجه به شناخت درستی که از وضع موجود داشت، علاقه ای به خلافت نشان نداد(سیوطی، ص ۲۱۱). از این رو خلافت به مروان بن حکم(۶۴-۶۵ق) رسید. مروان کسی بود که از زمان حضرت رسول(ص) به دشمنی با دین خدا پرداخته بود. وی این دشمنی را در خلافت عثمان و سپس در دوران خلافت خود به اوج رسانده بود تا جاییکه در متابر وابسته به حکومتش، آشکارا به امام علی(ع) توهین می کردند(ابن ابی الحدید، ج ۱۳/۲۲۰). اگرچه خلافت مروان دیری نپایید ولی بدعتی که او بنیاد نهاده بود باشد در زمان خلفای بعدی ادامه یافت.

عبدالملک بن مروان(۶۵-۶۸ق) در آغاز خلافتش اعلام کرد که چون عثمان خلیفه زیون و تحفیر شده، چون معاویه آسانگیر و چون یزید بسی خرد نیست و بر عکس خلفای گذشته نه با مال و ثروت بلکه با شمشیر همه را مطبع خواهد

کرد(سیوطی، ص ۲۱۸). وی با نگهه بر سرداری چون حاجاج بن یوسف تقفسی(ف ۹۴ق) به ادعاهای خود جامه عمل پوشاند. حاجاج به حدی سختگیر و خونریز بود که فقط در عراق صد و بیست هزار نفر را کشت(ابن حجر، ج ۲۱۱/۲) و در آنجا زندانهای مختصطی ساخته بود که حدود پنجاه هزار مرد و سی هزار زن که نیمسی از آنان مجرد و برهنه بودند، به دستور حاجاج زندانی بودند(همان؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۱۷۵-۶/۳). وی در سختگیری بر اهل بیت(ع) کار را به جایی رسانده بود که مکرر عبدالملک را هر تر از پیامبر(ص) معرفی می کرد و مردم را به طوف گرد خانه وی فرا می خواند(ابن ابی الحدید، ج ۲۴۲/۱۵). وی در آزار شیعیان کار را به جایی رساند که به گفته امام باقر(ع)، شنیدن نام زندیق برای او بهتر از شنیدن نام شیعه علی(ع) بود. حاجاج برای محدود کردن شیعیان بر دست و گردشان علامت گذاشت(سیوطی، ص ۲۲۰) و حتی علی رغم خواست عبدالملک، اصرار بر قتل امام سجاد(ع) داشت(اربیلی، کشف الغممه، ج ۳۱۱/۲).

در ایام خلافت ولید بن عبدالملک(۹۶-۸۶ق) که سرکشی خدا نشناش و ستمگری بیدادگر بود(مسعودی، مروج الذهب، ج ۱۶۶/۳)، زمین از ظلم و جور پر شده بود(سیوطی، ص ۲۲۳) و انحرافات اخلاقی با محوریت خلیفه به جایی رسیده بود که از محبوب ترین کارهای او در نزد مردم بخشش به آوازه خوانان بود(ابوالفرح اصفهانی، ج ۱۱۱/۵). ولید، کینه توزترین خلفا نسبت به اهل بیت(ع) و شیعیانشان، در نهایت در سال ۹۵ هجری امام(ع) را با زهر به شهادت رساند(طبری، دلائل الامامه، ص ۹۸۰؛ شوشتاری، ج ۱۰/۱۲؛ اصفهانی، ص ۱۴۲).

اگرچه امویان، اهل بیت(ع) و محیان آنان را اذیت و آزار می کردند و اجازه بردن نام ایشان را نیز نمی دادند و از انتخاب نام علی بر فرزندان در حوزه حکومتی خود جلوگیری می کردند، با این حال با توجه به آیات و روایاتی که در تجلیل از اهل بیت(ع) آمده بود، سعی می کردند از عنوان اهل بیت(ع) برای تحکیم مبانی خلافت

خود سوء استفاده کنند. خلفای اموی دمشق خود را مصدق اهل بیت(ع) معرفی می کردند و برخی زنان پیامبر(ص) از جمله عایشه در مکه، برای تحکیم خلافت این زیر، خود را مصدق اهل بیت پیامبر(ص) معرفی می کرد. از آنجا که هیچ کدام از همسران پیامبر(ص) فرزندی نداشتند، اهل بیت بودنشان منتفی بود.

در چنین اوضاع و احوالی، بدون تردید مهمترین وظیفه امام سجاد(ع) باز تعریف مساله امامت و تبیین و ثبت جایگاه خود به عنوان امام بود تا بتواند ضمن حفظ و تحکیم پایه های تشیع، جامعه اسلامی را نیز از انحرافات موجود آگاه کند. در این مسیر امام(ع) با ابهام زدایی از مفاهیمی چون اهل بیت(ع)، آل رسول(ص) و اولیاء الله، ضمن تعریف اصل امامت، با بیان ویژگیهای امامت، خود را به عنوان مصدق بارز امامت معرفی کرده، و آسیبها و مشکلات این حوزه را بیان کرده است.

### بررسی محتوایی امامت در صحیفه سجادیه

#### ۱- تبیین امامت

فلسفه وجودی امام(پیشوای عقلاً امری گریز ناپذیر است. آنچه که در مکاتب مختلف مورد اختلاف است، ویژگیها و اختیارات رهبری است. امام سجاد(ع) با استفاده از تعبیر گوناگون سعی کردند معنا و مفهوم امام را شخص نموده و در پرتو آن، مصدق عملی و عینی امام را برای مردم تبیین کنند. از جمله عبارتهایی که امام(ع) برای شناسایی مقام امامت استفاده کردند می توان به اولیاء الله، اهل بیت(ع)، آل رسول(ص) و واژه امام اشاره کرد.

#### الف) اولیاء الله

"ولي" به معنای دوست و برگزیده خدا در زمین است. ایشان کسانی اند که خدا دوستی و دشمنی با ایشان را هم ردیف دوستی و دشمنی با خود فرار داده (نیایش ۴۷/

بنده؛ نیایش ۲۱/بند ۱۲). و وعده بهشت به آنان داده است(و تمم سیو غ نعمتک علی...). و جاور بی الاطین من اولیانک فی الجنان النی زیستها الاصفیانک) (نیایش ۴۷/بند ۱۳۲). امام سجاد(ع) در جای دیگری ضمن معرفی خود به عنوان یکی از اولیاء الله، به حاضر اینکه به او چنین شرافتی بخشیده، از خدا سپاس گزاری می کند(نیایش ۶۸/۴۷). امام سجاد(ع) این مقام را چنان والا می داند که از خدا می خواهد در این دنیا(نیایش ۱/بند ۳۲) و آن دنیا(نیایش ۵۳/بند ۸) در ردیف آنان فرار گیرد و خدا را به حق محمد و آلس(ع) سوگند می دهد که تمامی وعده های خود در مورد آنان را محقق سازد(نیایش ۴۴/بند ۱۲؛ نیایش ۲/بند ۱۵). ایشان همچنین دوستی و دشمنی با اولیاء الله را در ردیف دوستی و دشمنی با خدا معرفی می کند(نیایش ۴۷/بند ۶۸).

### ب) اهل بیت(ع)

دوره‌ی امام سجاد (ع) دوره‌ای بود که فساد و انحراف اخلاقی در جامعه بالا گرفته و بسیاری از اصول دین از جمله توحید، نبوت و امامت دستخوش تحریف شده بود. در این دوره خلق‌ها خود را برگزیدگان در میان خلق و منصوبان از جانب خدا می دانستند و حتی خود را مصدق آیه‌ی اولو الامر(نساء / ۵۹) و یا حتی آیه‌ی تطهیر(احزاب / ۳۳) معرفی می کردند.

بنابراین امام (ع) می کوشید تا در کلام خویش مصدق اولیاء الله را به مردم معرفی کنند. آن حضرت ، اهل بیت(ع) را مصدق اولیاء الله دانسته، ایشان را آمرزیدگان ختمی خداوند و شفیع مسلمین معرفی می کنند و شفاعت را مختص ایشان می داند(نیایش ۲/بند ۲۰). امام (ع) برای نشان دادن جایگاه بلند اهل بیت(ع)، دشمن ایشان را دشمن پیامبر(ص) دانسته(و اعذنی و ذرتی... من شر کل من نصب رسولک و لاهل بیته حربا...) (نیایش ۲۳/بند ۶) و با توجه به صفاتی که در مورد اهل بیت(ع) بعد از این عنوان آورده شده است ، اهل بیت(ع) را مصدق آیه‌ی تطهیر(احزاب / ۳۳) و مجری فرامین الهی معرفی می کند، ضمن اینکه لفظ "حجج الله" در کل صحیفه تنها در مورد

این افراد به کار رفته است (ربَ صَلَّى عَلَى أَطَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ... وَ خَلْقَهُ فِي أَرْضِكَ وَ حَجَّجَكَ عَلَى عِبَادَكَ وَ طَهَّرَتْهُمْ مِنَ الرُّجْسِ وَ الدُّنْسِ تَطْهِيرًا يَارَادْنَكِ...)(نیايش ۴۷/۵۷).

### ج) آل رسول (آل محمد)(ص)

قبل‌ا در توصیف اوضاع سیاسی - اجتماعی جامعه‌ی زمان امام سجاد (ع) گفته شد که در نقاط مختلف سرزمین اسلامی، مردم دیدگاه‌های متفاوتی درباره اهل بیت(ع) داشتند. در شام معاویه و خاندان او، خاندان رسول خدا شمرده‌ی می‌شدند و هیچ کس را در اسلام اسبق و همپایه‌ی معاویه نمی‌دانستند. امویان نیز می‌کوشیدند تا فرزندان فاطمه (س) را ذریته‌ی علی (ع) معرفی کنند و با تبلیغات وسیع مانع این امر شوند که ایشان خود را فرزندان پیامبر و یا ا بن رسول الله بنامند(مسعودی، مروج الذهب، ج ۴۵/۳) و می‌کوشیدند تا کم کم از اهمیت آل رسول در جامعه بکاهند و شخصیت ایشان را خدشه دار کنند.

لذا امام(ع) با اختصاص نیايش دوم به "صلوات بر محمد(ص) و آتش(ع)" و ذکر صلوات‌های مکرر در اکثر دعاها که حتی به عنوان ترجیع بند دعاها به کار برده شده، بیان می‌کند که خداوند آل رسول(ص) را به عنوان وارثان پیامبر(ص) معرفی می‌کند(اللهم إِنَّكَ أَنزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلَهُ مَجْمَلًا... وَ وَرَسَّا عَلَمَهُ مَفْتَرًا...)(نیايش ۴۲/بندهای ۵) و به این وسیله آنان را بر تمامی مردم برتری داده(نیايش ۴/۲۴)، و مقامشان را همپایه‌ی مقام پیامبر(ص) و نقششان را همانند نقش اولیاء الله و امام، روشنگری در راه خدا می‌دانند(نیايش ۴۲/بند ۸). همچنین در چند جا با ذکر صلوات بر آل محمد (ص) و ذریه‌ی آن حضرت بر جایگاه اهل بیت (ع) تأکید می‌کنند(نیايش ۲۴/بند ۲۰). اساساً یکی از نشانه‌های درستی دعاها صحبه سجادیه، ذکر "صلوات بر محمد و آل محمد" است. زمانی که حتی قرار دادن نام علی بر فرزندان تنبیح می‌شد و افراد به این دلیل مورد تهدید قرار می‌گرفتند و کار امویان جز با دشnam

دادن بر علی (ع) استوار نمی شد(ابن ابی الحیدد، ج ۲۲۰/۱۳)، به کار بردن این تعبیر حائز اهمیت است.

همچنین از آنجا که در ادبیات عرب تکرار به مثابه تأکید به کار می رود، امام علی بن حسین (ع) با اختصاص دادن صلوات به آل محمد(ص) که گاهی با تکرار لفظ علی آمده "صلی الله علی سیدنا...و علی آل الطاهرین" (نیایش ۴۵/بند ۱۰)، "صلوانک علیه و علی آل" (نیایش ۴۲/بند ۱۸) و "رب صل علیه و علیهم" (نیایش ۴۷/بند ۵۹) بر جایگاه آل رسول در جامعه تأکید می کنند.

امام سجاد(ع) با به کار بردن تعبیرهای چون "محمد و آل الطیبین الطاهرین الاخیار الانجیین" (نیایش ۶/بند ۲۳) و "محمد و عترته الصفوہ من بریتك الطاهرین" (نیایش ۳۴/بند ۵) و همراهی محمد و آل محمد با چنین تعبیری تأثیر بسزایی در موضع مردم نسبت به خاندان رسول خدا داشته است.

#### (د) ائمه (امام) (ع)

بعد از بیان مصادیق اولیاء به عنوان اهل بیت و آل رسول، امام سجاد (ع) به بیان مصدق آیه ی اولوا الامر (نساء ۵۹) می پردازند. ایشان امام را به عنوان پشتوانه دین خدا و نشانه و رشته ی اتصال بندگان به خدا معرفی کرده است و به فرمان خدا، اطاعت از ایشان را واجب دانسته (... و افترضت طاعته) (نیایش ۴۷/بند ۶۱) و معتقد است اطاعت از امام به واقع اطاعت از خداوند است (... و الانه الذين حتمت طاعتهم ممن يجري ذلك)[التوحید و الإيمان بالله] به و علی يديه) (نیایش ۴۸/بند ۱۲) و به این ترتیب خداوند تنها راه رسیدن به خود را در پیروی از امامی قرار داده که هیچ وقت زمین خدا و دین الهی از وجود ایشان خالی نبوده است (نیایش ۴۷/بند ۶۱).

ه) تطبیق چهار اصطلاح اولیاء الله، اهل بیت(ع)، آل رسول(ص) و امام(ع) بر یکدیگر

در راستای معرفی رهبری جامعه اسلامی، الفاظ فوق در بند ۵۷ دعای ۴۷ بر یکدیگر منطبق می‌شوند. امام(ع) در این بخش از دعا، اهل بیت(ع) را مصادق آیه‌ی تطهیر (احزاب/۳۳) دانسته، ایشان را وسیله‌ای برای رسیدن به خدا و عامل حفظ دین معرفی می‌کند که اطاعت از ایشان بر همه مسلمین واجب است (نیایش/۴۸ بند ۱۲). امام سجاد(ع) در پایان نیایش سوم، در وصف آل محمد(ص)، ایشان را دارنده علم گذشته و آینده و تنها و آخرین وارثان پیامبر(ص) معرفی می‌کند (اللهم يا من خصْ<sup>\*</sup> محمداً و آلـه بالـكرـامـه و حـبـاهـمـ بالـرسـالـهـ و خـصـصـهـمـ بالـوـسـيـلـهـ و جـعـلـهـمـ وـرـثـهـ الـأـبـيـاءـ وـخـتـمـ بـهـمـ الـأـوـصـيـاءـ وـالـأـنـمـهـ...)(صحیفه سجادیه، ص ۲۴). امام سجاد(ع) در "نیایش برای والدینش"، افتخار می‌کند که از اهل بیت پیامبر(ص) است، اهل بیتی که خداوند به ایشان شرافتی داده و حقوقی را نسبت به ایشان بر مردم واجب کرده است (اللهم صل على محمد و آلـهـ كـماـ شـرـفـتـنـاـ بـهـ وـ صـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـ آلـهـ كـماـ أـوـجـبـ لـنـاـ الـحـقـ عـلـىـ الـخـلـقـ بـسـبـبـهـ) (نیایش ۲۴ بند ۴). به این ترتیب امام سجاد(ع) خود را تنها وارث و جانشین پیامبر(ص) و دارنده تمامی حقوق و امتیازات فوق می‌داند.

## ۲- ویژگیهای امام(ع)

### الف) رهبری دینی جامعه

امام سجاد(ع)، امامت را به معنای رهبری و جانشینی خدا در زمین، برای حفاظت از دین می‌داند و به عبارت بهتر امامان(ع) را حجت خدا در زمین (خلفاء ک فی ارضک و حجاجک علی عبادک) معرفی می‌کند (نیایش ۴۷ بند ۵۷). در بخش دیگری از همان دعا، امام سجاد(ع) تأکید می‌کند که رهبر دینی منصوب شده از طرف خدا، همیشگی است و هیچ زمانی بندگان خدا از وجود چنین رهبری محروم نخواهد بود، رهبری که خداوند او را نشانه راه خود قرار داده و رشته وجود او را به خود گره زده و او را وسیله‌ای برای رسیدن به رضوان الهی قرار داده است. و پیروی از او را واجب گردانید و مردم را از نافرمانی او بر حذر داشته است. (اللهم انك ايدت دينك

فی کل اوانِ بامامِ اقمنه علماً لعبادک، و مناراً فی بلادک، بعد آن وصلت حبله بحبلک، و جعلته الذریعة الی رضوانک، و افترضت طاعنه، و حذرت معصیته، و أمرت بامتنال أوامرہ (نیايش ۴۷/بند۶۱). به دنبال آن امام سجاد (ع) تأکید می کند که فلسفه تداوم امامت و لزوم اطاعت مردم از ایشان به این علت است که امام واسطه میان بندگان و خداوند است تا به این وسیله مردم به سعادت و رضوان الهی دست یابند.

#### ب) مقام علمی ائمه(ع)

از آغاز دوره امامت امام سجاد(ع)، گرایش‌های غالیانه در جامعه شیعه رخنه کرده بود و اندک اندک برخی از شیعیان را به خود جلب کرده بود. ائمه اطهار(ع) در انتساب هرگونه صفات فوق بشری نسبت به خود به شدت مخالفت کرده، بر این نکته تأکید می کردند که آنان صرفاً دانشمندانی پرهیزگار و جانشیان پیامبر(ص) مسلمانان را به پیروی از ایشان به عنوان مفسران بر حق کتاب خدا و وارث علم پیامبر(ص) فرمان داده بود. البته این مخالفت ائمه(ع) متوجه آن گروه از مسلمانانی نیز می شد که برای استفاده علمی یا محبت به خاندان پیامبر(ص) به خدمت ائمه می آمدند و صرفاً به عنوان دانشمندانی از خاندان پیامبر(ص)، از ایشان نقل حدیث و فتوای می کردند و ایشان را به عنوان مفترض الطاعه قبول نداشتند (مدرسى طباطبائی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۴۲).

در همین راستا امام سجاد(ع) صریحاً بیان می کند که خداوند علم ویژه ای تحت عنوان "علم ریانی" به امامان(ع) بخشیده (نیايش ۱/بند۱۱) و به واسطه ای همین علم، ایشان را بر سایر مردم برتری داده است چرا که سایر مردم از دست یافتن به آن علم ناتوانند (اللهم إنك أنزلتَ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَجْمَلًا، وَأَلْهَمْتَ عَلَمَ عَجَابَهُ مَكْتَلًا، وَوَرَّتَنَا عَلَمَهُ مَفْسِرًا، وَفَضَّلْنَا عَلَى مَنْ جَهَلَ عَلَمَهُ، وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لَنْرَقَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ) (نیايش ۴۲/بند۵). امام(ع) در بیان کیفیت این علم از تعبیری چون "علماء لعبادک و مناراً فی بلادک" (نیايش ۴۷/بند۶۱) و "جعلتهم خزنه علمک"

نیايش ۴۷/بند ۵۷) استفاده می کند. ایشان برای رد تفکرات انحرافی غلات با استفاده از عبارت "ورستنا" تأکید می کند این علم که از پیامبر(ص) به آنها به ارت رسیده و شامل معارف قرآنی و تفسیر آیات قرآن است، تعلمنی است و با علم پیامبر(ص) که از طرف خدا به ایشان الهام شده، متفاوت است(مدرسی چهاردهی، ص ۵۲۵). با این حال علمی است که بنا به تأکید امام(ع) (نیايش ۴۲/بند ۵) مخصوص اهل بیت(ع) است و کسی جز مخصوص تحمل دست یافتن و حتی عمل به آن را ندارد(مدرسی چهاردهی، ص ۵۲۵ فهبانی، ص ۵۷۹).

#### ج) عصمت ائمه(ع)

بنا به اعتقاد شیعه امام حافظ و نگهبان دین است و رهبری دینی و دنیوی مردم را بر عهده دارد. شیعیان همان ادله ای را که برای اثبات نبوت مطرح است، در مورد اثبات امامت نیز صادق می دانند. با این تفاوت که نبوت مستقیماً از طرف خداست و امامت تعیینی از ناحیه پیامبر(ص) از طرف خداست(مطهری، ص ۹۲).

در مورد عصمت پیامبر(ص) شباهه ای مطرح نیست چرا که اصل عصمت پیامبر(ص) را برای هدایت مردم الزامی می دانند تا مردم بتوانند به اعمال و گفتار او اعتماد کنند. از آنجا که امامت بر طبق اعتقاد شیعه، متمم نبوت است و از نظر بیان دین و رهبری دینی و دنیوی، امام جانشین پیامبر(ص) بشمار می رود، از این رو لازم است که امام(ع) نیز چون پیامبر(ص) مخصوص از اشتباه و گناه باشد تا مردم به اعمال و اقوال او اعتماد داشته باشند(همان، ص ۹۶-۷). افزون بر این، اگر امام(ع) مخصوص نباشد و در انجام امور امامت اشتباه کند لازم است که دیگران او را به راه راست بیاورند و این امر با اصل وجوب اطاعت از اوامر و نواهي امام(ع) که قبلًا ذکر شد، ناسازگار است.

امام سجاد(ع) در بیان ویژگیهای امامت به اصل عصمت پرداخته و با تعبیری چون "وَأَلِهُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَيِينَ" (نیايش ۶/بند ۲۳)، "اَهُلُّ بَيْتِ الطَّاهِرِينَ" (نیايش ۲۴/بند ۱)، "اَهُلُّ بَيْتِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ" (نیايش ۱۷/بند ۱۴)، "و

عترت‌الصفوه من برینک الظاهرين" (نیايش ۴۳/بند۶)، و "رب صل على اطاب اهل بيته" (نیايش ۴۷/بند۵۷) به این مهم اشاره کرده است. امام سجاد(ع) با تأکید بر مزنه بودن ایشان از پلیدی و نایاکی و گناه، بیان می کند که خداوند ایشان را از رجس و آسودگی پاک گردانیده است تا ایشان را برای اجرای فرامین خود انتخاب کرده و با وجود اهل بیت(ع) حجت را بر بندگانش تمام کرده باشد و ایشان را وسیله ای برای رسیدن بندگان به سوی خود و رضوان الهی قرار دهد(نیايش ۴۷/بند۵۷).

#### د) شفاعت شیعیان

مسئله شفاعت و کارآیی آن در قیامت، از جمله مسائل عقیدتی است که در ضمن معارف گسترده صحیفه مورد توجه فرار گرفته است. امام سجاد(ع) با توجه به گفته قرآن کریم که در آن روز (روز قیامت) هیچ شفاعت و وساطتی سود نمی بخشد مگر شفاعت کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده باشد تا سیان خلق و خدا واسطه شود(طه/۱۰۹)، تأکید می کند که خداوند این حق را به پیامبر(ص) (و ألمکهم منك شفاعة) (نیايش ۴۲/بند۱۸) و اهل بیتش عنایت کرده تا بتوانند شفیع دوستان و شیعیانشان در روز جزا باشند(و لا شفاعة مخلوقٌ رَجُونَةُ الْإِشْفَاعَةِ مُحَمَّدٌ وَالْأَهْلُ بِهَا قد ابْتَزُوهَا....) «خدایا این مقام که ویژه و شایسته جانشینان تو و برگزیدگان تو می باشد و جایگاه افراد امینی است که از برترین درجه برخوردار می باشند و مقامی است

#### ۳- غصب خلافت

امام سجاد(ع) در آن شرایط بحرانی به طور صریح سخن از غصب امامت و رهبری از عترت دارد. ایشان در دعای روز جمعه و روز عید قربان(نیايش ۴۸) که هر دو از منصب های ولایی و از شیوه امامت است، به طور شفاف ابراز می دارد، این مقام از عترت رسول الله(ص) که شایسته آن مقام می باشند، به تاراج رفته است. (اللهم ان هذا المقام لخلفائك و اصفيائك و مواضع امنائك في الدرجة الرفيعة التي اختصتهم بها قد ابْتَزُوهَا....)

که تنها عترت را شایسته آن می‌دانی، از عترت گرفته شده است!» (نیایش ۴۸ / بند ۹) آنگاه در پایان دعا بر تمام دشمنان عترت و تمام مظاہر ستم و اعوان و انصار ستمگران بر حقوق عترت، از نخستین افراد وادی ستم تا آخرین آنان را مورد نفرین قرار می‌دهد و نیز آنان را که از راه ستمگران پیروی نمودند و یا حتی عملکرد آنان را پسندیده اند نفرین می‌کند، (اللهم العن اعدائهم من الاولين و الآخرين و من رضي بافعاليهم و اشياعهم و اتباعهم) (نیایش ۴۸ / بند ۱۰). و در جای دیگری از خداوند می‌خواهد تا آن حضرت را در رعایت حق دوستانش که شناسای حق ایشان و در حال نبرد با دشمنان اهل بیت(ع) هستند باری فرماید (نیایش ۲۶ / بند ۱).

امام سجاد(ع) به طور شفاف امامت و رهبری را حق اهل بیت(ع) دانسته و برای دفاع از حقوق از دست رفته اش در موقع مناسب دست به افشاگری می‌زند.

### نتیجه

خلافت بنی امية با فراز و نشیبهای زیادی آغاز شد. صلح امام حسن(ع) و انتقال خلافت به معاویه و به دنبال آن واقعه فجیع عاشورا و سرکوبی اهل بیت(ع) نشان دهنده ستم و سوی خلافت بنی امية بود. خلافت موروثی و سلطنتی بنی امية به هیچ کدام از ارزشها مادی و معنوی اسلام وقعنی نمی‌گذشت. افزون بر سرکوبی اهل بیت(ع) و شیعیانشان، سرکوبی شورش مدینه معروف به واقعه حرّه، به آتش کشیدن خانه خدا در مکه و تحمل گرایی و دنیا طلبی سران بنی امية از بارزترین جلوه‌های ابتدال آن دوره است.

بدون تردید امام سجاد(ع) در حساس ترین دوره تاریخی، سخت ترین دوره امامت را بر عهده داشت و می‌بایست برای احیای اسلام راستین کارش را از صفر آغاز کند (عاملى، ج ۱/ ۷۷) تا هم اندیشه شیعی را از جذب شدن در مذهب حاکم (تسنن) حفظ

کند هم آن را از دیگر فرقه‌های انحرافی شیعه چون زیدیه و کیانیه و غلات متمایز و مشخص سازد.

امام سجاد(ع) در چنین وضعیت دشوار سیاسی - عقیدتی، با زبان دعا به بازخوانی و باز تعریف اهل بیت(ع) و امامت به عنوان منصب الهی و ادامه دهنده رسالت نبی(نبایش ۴۷/بند ۶۱) پرداختند. ایشان در ضمن بیان ویژگیهای امامت، تأکید می‌کند که امام دارای علم ربانی(نبایش ۱/بند ۱۱) و معصوم از خطأ و اشتباه است(نبایش ۴۳/بند ۶؛ نبایش ۴۷/بند ۵۷) و به همین علت مفترض الطاعه است(نبایش ۴۷/بند ۶۱). در ادامه امام سجاد(ع) تصریح می‌کند مقام رهبری دینی که تنها سزاوار اهل بیت پیامبر(ص) است اکنون از ایشان ربوه شده است(نبایش ۴۸/بند ۹). در نهایت امام سجاد(ع) برای متمایز ساختن خط امامت شیعی و خلافت غاصبانه اموی، بر تمامی کسانی را که از آن غاصبان حمایت و تعیت می‌کنند یا نسبت به اعمال ظالمانه آنان واکنشی نشان نمی‌دهند لغت می‌فرستد(نبایش ۴۸/بند ۱۰).

### منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ *الذریعه الى تصانیف الشیعه*؛ ویرایش احمد منزوی، دانشگاه تهران، تهران؛ ۱۳۴۳-۱۳۸۴ش.
- ابن ابی الحدید؛ *شرح نهج البلاغه*؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعه الثانیه، داراحیاء الکتب العربیه، قم؛ ۱۹۶۷م-۱۳۷۸ق.
- ابن اثیر؛ *اسد الغابه فی معرفة الصحابة*؛ تحقیق ابراهیم التباء و دیگران، دار احیاء التراث العربي، بیروت؛ ۱۹۷۰م/۱۳۱۹ق.
- ابن حجر عسقلانی؛ *تهذیب التهذیب*؛ دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابو الفرج اصفهانی؛ *الاغانی*؛ دارالثقافة، بیروت؛ ۱۹۶۰م.

- اریلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمہ: علّق علیه حاج سید هاشم رسولی*، مکتبه بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱.
- اصفهانی، محمد تقی؛ *نور الابصار فی فضیلۃ الانتظار: موسیٰ خیریہ علمی و دینی*، مهدیه اشکذر، ۱۳۶۱.
- جعفری، حسین محمد؛ *تشیع در مسیر تاریخ: ترجمه محمد تقی آیت اللہی، چاپ هشتم*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۴ اش.
- حکیم، سید محمد حسین؛ *نسخه های خطی، شروح و ترجمه های صحیفه سجادیه: کتابخانه آیت الله مرعشی*، قم: ۱۳۸۲ اش.
- درگاهی، حسین؛ *کتابنامه صحیفه سجادیه*؛ نشر رایزن، تهران: ۱۳۷۸ اش.
- رهبر، محمد تقی؛ *سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه: معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی*، تهران: ۱۳۶۶ اش.
- ساروخانی، باقر؛ *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۷۷ اش.
- سهیلی، عبد الرحمن؛ *الروض الانف: تحقيق عبد الرحمن الوکیل*، دارالکتب الحديث، [بی جا]، [بی تا].
- سیوطی؛ *تاریخ الخلفاء*؛ تحقیق محمد مجتبی الدین عبدالحمید، الطبعه الاولی، مطبوعه امیر، قم: ۱۴۱۱ق/۱۳۷۰ اش.
- شوشتاری، نورالله بن شریف الدین؛ *احسان الحسن: مصحح حسن الجاحی*، [بی جا]: ۱۳۶۶ق.
- طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ الرسل و الملسوک (التاریخ)*؛ تحقیق محمد ابوافق ابراهیم، روانع التراث العربی، بیروت: [بی تا].
- طبری، محمد بن جریر؛ *دلایل الامامه*؛ المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ق.

عاملی، جعفر مرتضی؛ دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام؛ مرکز جواد بیروت: ۱۴۱۴ق.

علی بن حسین (ع)؛ صحیفه سجادیه؛ ترجمه اسد الله بشیری، با مقدمه مهدی بازرگان، نشر نی، تهران: ۱۳۸۱ش.

فهبانی، بدیع الزمان؛ ریاض العابدین؛ به کوشش حسین درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۷۴ش.

کشی، محمد بن عمر؛ اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)؛ موسسه آل بیت، ۱۴۰۴ق.  
مدرسی چهاردهی، محمد علی؛ شرح صحیفه سجادیه؛ انتشارات مرتضوی، تهران: ۱۳۷۹ش.

مدرسی طباطبائی، حسین؛ مکتب در غرایند تکامل؛ ترجمه هاشم ایزد پناه، نشر داروین، نیو جرسی: ۱۳۷۴ش.

مدرسی طباطبائی، حسین؛ میراث مکتوب شیعه؛ ترجمه سید علی قرابی و رسول جعفریان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، قم: ۱۳۸۳ش.

مدیرشانه چی، کاظم؛ "دعا و نایش"؛ نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره سی، مشهد: ۱۳۷۴ش.

مسعودی، ابوالحسن؛ مروج الذهب و معادن الجوهر؛ تحقیق محمد مجیس الدین عبد الحمید، الطبعه الثانیه، مکتبه التجاریه الکبری، مصر: ۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م.

مطهری، مرتضی؛ امامت و رهبری؛ انتشارات صدراء، چاپ ششم، تهران: ۱۳۶۶ش.

معارف، مجید؛ تاریخ عمومی حدیث؛ انتشارات کویر، تهران: ۱۳۷۷ش.

نویختی، حسن بن موسی؛ فرق الشیعه؛ ترجمه و تعلیقات محمد جواد مشکور، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۸۱ش.